



عسل عباسیان

فرهاد مهندس پور، از کارگردانان پیشرو تئاتر ایران چندسالی است صحنه را ترک و فقط به تدریس در دانشگاه تربیت مدرس بسنده کرده است. مهندس پور امسال دبیری جشنواره سی‌وششم تئاتر فجر را برعهده گرفته است. اگرچه جشنواره‌های سی‌وچهارم و سی‌وپنجم به دبیری سعید اسدی روندی نسبتاً رو به بهبود داشت اما از فرهاد مهندس‌پور و سبک کارگردانی او انتظار می‌رود همچون تجربه تئاترهایش، امسال در این جشنواره مسیری متفاوت را رقم بزند و به سبک شخصی خودش، آن را کارگردانی کند. با مهندس پور درباره جشنواره تئاتر فجر امسال و اهدافش در این دوره گفت‌وگو کردیم.

✚ چه شد با اینکه چندین سال بود فقط در حوزه آکادمیک فعالیت می‌کردید و نمایشی هم روی صحنه نمی‌آوردید، دبیری جشنواره امسال را پذیرفتید؟

برایتان چه منطقی مطرح بود که این مسئولیت خطیر را بپذیرفتید؟

این روزها گفتن هر چیزی ممکن است سوءتعبیری ایجاد کند. ولی از این حرف‌ها گذشته، من یک برآوردهی دارم از وضعیت تئاتر در ایران که آن برابند هم نتیجه همین سال‌هایی است که از بیرون دارم به تئاتر ایران نگاه می‌کنم. به آدم‌ها، به اجراها، به برنامه‌ها و جشنواره‌ها. فکر می‌کنم دلیل آنکه آقای شفیعی برما برای دبیری جشنواره انتخاب کرد، یکی همین بود که در این سال‌ها من هیچ‌وقت هیچ درخواستی برای خودم نداشتم؛ با اینکه پیشنهاد برای اجرا داشتم و هرازگاهی دعوت می‌شدم برای اینکه کار کنم، ولی علاقه‌مند نبودم کار کنم به دلایلی که به بحث اکنون ما مربوط نمی‌شود. به‌طور کلی فرایند تولید تئاتر در ایران با مشکلاتی روبه‌روست و درعین حال وضعیت اقتصادی و مناسبات منجر به تولید تئاتر هم با ساخته‌شدن تئاترهای مستقل تغییر کرده و نکته سوم مربوط به این است که جامعه تماشاگران تئاتر تغییر کرده و بدون اینکه بخواهیم بگوییم این تغییرات هنجار هستند یا نابهنجار، ما در چنین وضعیتی به‌سر می‌بریم. من از این وضعیت برداشتی دارم. آدم‌های دیگری هم که مشاهده‌گر بوده‌اند، می‌دانند تئاتر ایران در چه وضعیتی است و گرفتار چه مناسباتی است. ولی انگیزه‌ها برای دبیری جشنواره این بود که فکر کردم با وجود همه مشکلاتی که تولید تئاتر ایران و به تبع آن جشنواره تئاتر فجر دارد، در درون همین سازمان موجود و در درون همین وضعیت موجود می‌شود چیزهای کوچکی را تغییر داد، برای اینکه بشود امکان تغییرات بزرگ‌تر را در آینده فراهم کرد. به این امید آمدم که با کمک گروهی از هنرمندان و اعضای همین جامعه تئاتر ایران، کاری کنیم.

✚ آن چیزهای کوچکی که امید تغییرش را دارید، چه هستند؟

یکی اینکه انتخاب کار از طریق دیدن فیلم‌ها را کنار بگذاریم، برای اینکه کار ناشایستی است. دوم اینکه به جای اینکه دبیرخانه جشنواره به‌طور مطلق کارها را انتخاب کند، بخشی از مسئولیتش را به سایر جشنواره‌ها واگذار کند. مثلا جشنواره تئاتر دانشگاهی یا جشنواره تئاتر میروان یا جشنواره‌های دیگری که می‌توانند با ما تبادل داشته باشند، آنها مرجع شوند و بتوان به انتخاب‌های آنها اعتماد کرد و انتخاب‌های آنها را بپذیرفت. هدفمان این است که به‌طور مطلق دبیرخانه جشنواره فجر کارها را انتخاب نکند و آن چیزی که امسال در جشنواره فجر اتفاق می‌افتد و اتفاق مهمی هم هست و امیدوارم موفقیت‌آمیز باشد، این است که خود جامعه تئاتری تهران، کارهای بخش مرور تهران را انتخاب کنند. این برنامه‌ای است که سال آینده در سایر استان‌ها هم انجام خواهد شد. در استان‌ها گروه یا گروه‌های ۱۵ نفره کارهای بخش مرور هر استان را معرفی می‌کنند و جشنواره‌های تئاتر استانی هم توسط همان‌ها داوری می‌شود. این عملی است که باعث می‌شود دسته‌ای از رفتارهای درون جامعه تئاتر ایران تغییر کند. یعنی الزاما باید بخشی از روابط و مناسبات درون جامعه تئاتر ایران تغییر کند. این بسیار شایسته‌تر از این است که چهار یا پنج نفر را انتخاب کنیم و جشنواره بشود سلیقه آن چهار یا پنج نفر. به‌این‌ترتیب اعمال نظر یا اعمال سلیقه‌هایی که دبیر یا یک شورایی می‌تواند در درون دبیرخانه جشنواره داشته باشد، کنار گذاشته می‌شود.

✚ آیا این روش، خطر دچار شدن به یک ناهمگونی در انتخاب‌ها را رقم نخواهد زد؟

فکر نمی‌کنم چنین اتفاقی بیفتد. زیرا گروه ۷۰نفره کارشاسان، هم تخصص‌های متنوعی دارند و هم گرایش‌های اجرایی گوناگونی دارند و چون انتخاب‌ها ماینکین رای آنها خواهد بود، به نظر می‌آید باز به همان تنوع و ترکیبی می‌رسیم که جشنواره برسیم و آن چیزی که می‌توانیم به این برسیم، این است که مجموعه متنوعی از اجراها را در جشنواره خواهیم داشت. ولی نکته‌ای که باید به آن اشاره کنیم، این است که آیا نتیجه کار برای ما مهم است یا فرایند کار؟ واقعیتش این است که در طول این دوره‌هایی که برگزار شده، بعضی از دوره‌ها نتیجه انتخاب‌هایی که به جشنواره آمده‌اند، امیدوارکننده یا خوشایند نبوده‌اند. با این همه، به نظر اصلاح فرایند، مهم‌تر از نتیجه است و فکر نمی‌کنم ما در این شرایط، چیزی را از دست بدهیم.

✚ با توجه به سبک شخصی شما که نسبتی با تئاتر بدنه ندارد و زیرمجموعه تئاتر تجربی است، این خطر وجود ندارد که سایر جریان‌های تئاتری در جشنواره امسال نادیده گرفته شوند؟

فکر م‌رر است جشنواره به سلیقه من پیش برود؟ جشنواره تئاتر فجر برابند اجرا و نمایش‌هایی است که در طول سال در ایران اجرا شده‌اند، برابند کارهایی است که جامعه تئاتر ایران تولید کرده است؛ از دوره همان برون تراه که در اوست. هیچ‌کس نمی‌تواند شق‌القدر کند؛ نه من و نه هیچ‌کس دیگر. اگر فرض کنیم که من بخواهم چنین کاری بکنم و آثار را مطابق سلیقه خودم انتخاب کنم، به اندازه کافی کار انتخاب نمی‌شود، ممکن است پنج‌تا کار انتخاب شوند؛ پس سلیقه من یا هر آدم دیگری ابداع مطرح نیست. تئاتر ایران هنوز تیکت دارد، تشخیص ندارد و از تیکت و تشخیص دوری می‌کند. حالا چه معجزه‌ای رخ داده که دبیر جشنواره بتواند در آن اعمال سلیقه کند؛ به نظر دارید سلیقه را به‌جای کلمه دیگری به کار می‌برید. تئاتر پدیدهای نیست که شکلی یگانه داشته باشد. تئاتر فرم‌های بسیار متنوعی دارد و این را همه می‌دانیم؛ شکل‌های بسیار متنوعی که ممکن است اصلا شبیه هم نباشند و بنیاست جشنواره برابند بهترین‌های فرم‌های تئاتری باشد که در ایران در طول یک سال اجرا می‌شوند یا در حال تولیدشدن.

✚ نکته جالبی که در این دوره به آن توجه نشان داده‌اید، دعوت شما از کسی مثل آقای صدرالدین زاهد است که سال‌ها از ایران دور بودند و در ایران کار نکردند و برای اجرا در جشنواره دعوت شدند. آیا به فکر اینکه هنرمندان دیگری که چندین سال است از ایران رفته‌اند، مثل حامد محمدطاهری، تینوش نظم، رضا قاسمی یا حتی بهرام بیضایی، آرتزی اوآنسان و … بازگردند و در جشنواره کار اجرا کنند، هستید؟ آیا برنامه‌ای دارید برای اینکه بخواهید همه نخبگان تئاتری را که از ایران رفته‌اند، به بهانه جشنواره به ایران برگردانید؟

نه، هرچند این کاری است ضروری، ولی با توجه به زمانه که داشتیم، برایمان امکان‌پذیر نیست.
✚ ممکن است برای جشنواره‌های بعدی که فرصت بیشتر است چنین کنید؟
بله. بندی به فراخوان سال بعد افزوده شده که بر اساس آن، هنرمندان ایرانی باشد که خارج کشور زندگی می‌کنند و مستقل از کمپانی‌های تئاتر کار می‌کنند می‌توانند تئاترهایشان را به جشنواره معرفی کنند.

✚ خودتان هم انگیزه‌ای برای اینکه آنها برگردند و در ایران کار کنند دارید؟
بله.
✚ در یک دورانی علت حضور در جشنواره‌ها برای گروه‌های تئاتری، منافع اقتصادی‌ای بود که در پی داشت؛ جشنواره‌هایی هم قرار است به گروه‌ها شهرت بدهند؛ یعنی آدم‌هایی که کمتر شناخته شده‌اند، بیابند و از طریق جشنواره مطرح شوند و حیات حرفه‌ایشان را تغییر دهند. می‌خواهم از شما به‌عنوان دبیر جشنواره امسال پرسیم که اگر بخواهید بگویید که جشنواره تئاتر



عسل، زینتو فرستنی،شرق

فجر این دوره چه چیزی قرار است به هنرمندانی که در آن شرکت می‌کنند

بدهد، چه می‌گویید؟

فکر می‌کنم باید صبر کنید و بعد از اینکه جشنواره برگزار شد ببینید ماحصل جشنواره برای گروه‌ها چه چیزی است، ولی اینکه چه ایده‌ای وجود دارد، این است که جشنواره تئاتر فجر باید یک جشنواره کاملا حرفه‌ای باشد؛ یعنی جشنواره حرفه‌ای تئاتر ایران باشد، چون به‌رحال جشنواره‌های غیرحرفه‌ای هم داریم. جشنواره دانشجویی چندتا داریم؛ باین‌همه فکر می‌کنم از مسیر جشنواره تئاتر میروان، جشنواره تئاتر دانشگاهی و جشنواره‌های استانی، فقط چهار سه تاره به تئاتر ایران معرفی می‌شوند و از این بابت به نظر می‌آید که این‌ساز تئاتر ایران هم برآورده می‌شود. درعین‌حال فکر می‌کنم جشنواره تئاتر فجر، جشن گفت‌وگوی تئاتر ایران است؛گردهمایی‌ای است که در آن، تئاتری‌ها در مورد تئاتر حرف بزنند.

✚ یعنی ایجاد گفت‌وگو از بخش رقابتی برای شما پررنگ‌تر است؟

بله، اصلا همه جشنواره‌های تئاتر دنیا، جشن گفت‌وگوست، جشن ارتباط برقرار کردن است، جشن باهم‌نشستن و با هم گفت‌وگوکردن و به‌این‌ترتیب، توسعه روابط و مناسبات درون جامعه تئاتری به مثابه توسعه تئاتر به‌واسطه جشنواره است، چون توسعه تئاتر خودبه‌خود اتفاق نمی‌افتد، مگر روابط درون جامعه تئاتر ایران توسعه پیدا کنند و بتواند ارزش‌های ارتباطی و اجتماعی تازه‌ای را در خودش بیافریند.

✚ آیا شما برنامه و تأکیدی دارید بر اینکه رانت‌های احتمالی که در انتخاب

آثار برگزیده ممکن است وجود داشته باشد رخ ندهد؛ هم در داوری و هم در انتخاب؟

فکر نمی‌کنم چنین اتفاقی بیفتد؛ یعنی زمینه‌اش وجود ندارد. فکر نمی‌کنم

امکانش وجود داشته باشد، برای اینکه جامعه تئاتر ایران، جامعه خیلی بزرگی نیست. همه داریم همه‌چیز را می‌بینیم و به محض اینکه اشتباه کنیم، به نظرم

جامعه تئاتر ایران به آن واکنش نشان می‌دهد. از این بابت این ویژگی جامعه تئاتر ایران، ویژگی قابل‌توجهی است، ولی اینکه ممکن است خطا یا اشتباهی صورت

بگیرد، محتمل است.

✚ شما تمهیدی برای آن دارید؟

نه، واقعا نمی‌شود این کار را کرد، ولی وقتی که کار انتخاب آثار را به خود هنرمندان واگذار می‌کنیم، ممکن است ضربی از رفتارهای هانجار هم امکان بروز پیدا کند، ولی ما هیچ راهی جز این نداریم، برای اینکه این شرایط را امکان‌پذیر کنیم، زیرا این تنها راه نجات ماست؛ یعنی اگر گروه بزرگ جامعه تئاتری، خودش انتخاب‌ها را انجام دهد، نشانه پذیرش مسئولیت اجتماعی تازه است.

✚ برنامه‌ای برای مرکززدایی تئاتر در جشنواره دارید؟ یعنی اینکه فقط اجراها به سالن‌های تئاتر شهر، ایرانشهر و دود سه مجموعه خصوصی دیگر محدود نشود و به شهرهای دیگری هم سرایت پیدا کند و اساسا در خود تهران از شکل منحصربه‌شده مراکز تئاتری بیرون بیاید. مثلا بتوانیم تئاترهای خیابانی را در در جایی جز حوالی تئاتر شهر یا تئاتر وحدت داشته باشیم و مردم با تئاتر درگیر شوند و اتفاقی که ۳۴۵ روز سال تئاتر به خود نمی‌بیند و دغدغه‌اش نیست، در این ۱۰ روز درگیرش شود، آیا چنین برنامه‌ای وجود دارد؟

بله، امیدواریم که این اتفاق بیفتد؛ یعنی بخش آف‌استیج و خیابانی بخش قابل‌توجهی است، بخشی که نمایش‌ها در بیرون فضای تئاتر اتفاق می‌افتد، امسال که بود بزرگ‌تر می‌شود، بخش تئاتر خیابانی وجود دارد ولی سردرگمی و پراکندگی‌اش در شهر تغییر می‌کند، در مراکز بزرگ فروش مثل بالادیم، کوروش و… در حال پیگیری هستیم تا در آن فضاها اجرا نباشد. ولی یادتان باشد که قرار

نیست جشنواره همه کمبودها را برطرف کند و انتظار داشته باشیم موفقیت‌آمیز هم باشد، اینها ایده‌هایی هستند که باید بلندمدت روی آنها کار شود و مدنظر باشند.
✚ در بخش بین‌الملل آیا در پی ایجاد فضایی تازه‌تر و آمدن گروه‌هایی که پیش از این امکان حضورشان در ایران میسر نبود، هستید؟ با توجه به اینکه می‌دانم شما با محدودیت بودجه هم مواجه هستید. آیا ریزانی‌ای برای حضور گروه‌های بزرگ کردید؟

ما در مورد حضور گروه‌های تئاتری خارجی چند مشکل بزرگ داریم. نخست مسئله بودجه است، دوم مسئله تم کارها، سوم مقتضیات اجرایی.

✚ یعنی به لحاظ ارزی می‌مکن است با مشکل برخورد کنید؟

بله، حتی آنها هم مورد توجه قرار می‌گیرند. به‌رحال ما محدودیت‌هایی داریم که باید آن محدودیت‌ها را به گروه‌ها بگوییم. بعضی از گروه‌ها می‌پذیرند و بعضی نمی‌پذیرند. افزون بر این‌ها، به‌طورکلی مسا می‌توانیم دو نفرش در انتخاب کارهای بخش بین‌الملل داشته باشیم. اول اینکه برویم دنبال آدم‌های بزرگ و اسم و رسم‌دار که این پول زیادی می‌خواهد. درنتیجه وقتی شما کار بزرگی را می‌آورید، به‌ناچار می‌روید دنبال کارهای بسیار ارزان می‌گردید. انتخاب دیگر این است که بگوییم من با توجه به بودجه و مقتضیاتم کارهایی را انتخاب می‌کنم که به لحاظ فرم، تازه و متنوع باشند و بتوانند مجموعه متنوع‌تری از تئاتر جهان را دعوت کنند. آنچه امسال تلاش کردیم انجام دهیم، این بود که از تعدادی گروه جوان دعوت کنیم که کارهای درجه یک می‌کنند، اجراهای خوب دارند، اجراهای ساده درجه یک دارند و در فرم اجرایی و در شکل ارتباط با تماشاگر بدیع و تازه هستند. در ضمن یادتان باشد که جشنواره تئاتر فجر در بازه زمانی برگزار می‌شود که بسیاری از گروه‌های تئاتری دنیا تعطیل‌اند یا دارند اجراهای عمومی‌شان را می‌روند و دیگر در تور نیستند. همه جشنواره‌های درستی و حسابی دنیا در فاصله تابستان، یعنی تیر و مرداد و شهریور، برگزار می‌شوند و تعداد کمی از جشنواره‌ها در پاییز برگزار می‌شوند. جشنواره ما زمستانی است و تقویمش هم باعث می‌شود که به محدودیت‌های انتخاب اضافه شوند. باین‌همه، به نظرم می‌آید مجموعه کارهایی که تا الان انتخاب شده‌اند، کارهای متنوعی‌اند؛ هم شکل‌هایی از تئاتر بدنه یا تئاتر رسمی در آن است و هم فرم‌های نو. امیدوارم بتوانیم در کتابچه‌ای که چاپ خواهیم کرد، بگوییم که این کارها چیست و چه ویژگی‌هایی دارند، چرا انتخاب شده‌اند، چه ضرورتی داشته این کارها دعوت شوند. علاوه‌براین به نظر می‌رسد کاری که در این بخش خیلی مهم است، این است که زمینه گفت‌وگو میان تئاتر ایران و تئاترهای جهان را برقرار کند و پنها‌ها و نشست‌ها و ریزندسی‌هایی که برای برنامه‌ریزی شده‌اند، به این ویژگی اختصاص دارند. البته ریزندسی‌ها کمی قبل از جشنواره برگزار می‌شوند، ولی در روزهای جشنواره، پنها‌ها و جلسات گفت‌وگو، نشست‌ها و… هستند که می‌توانند در شکل‌گیری آن گفت‌وگو تأثیر داشته باشند.

نکته که زیاد وجود دارد، متأسفانه ما هنوز چیزی از کارهایی که داریم می‌کنیم، نداده‌ایم. دلیلش هم این بوده که واقعا با سرعت زیادی باید در بخش‌های مختلف برنامه‌ریزی، اقدام و کار می‌شد و درعین‌حال داشتیم دقت می‌کردیم بر سرر اینکه فرایند برنامه‌ها را تغییر دهیم. به نظر می‌آید آن چیزی که مهم است و ما در ستاد جشنواره به خودمان یادآور می‌شویم، این است که شکل کارکردنمان، آن چیزی است که به دستش خواهیم آورد، نه نتیجه نمایشی که در مواجهه با جهان مدرن، به حاشیه رفت و ناممکن شد. مجلس مختلف‌خوانی یا بازی‌های خوب، یا روایتی تأثیرگذار و البته پیشنهادی تازه از یک گروه جوان دانشجویی، می‌تواند الترناتیو باشد برای تئاتر حرفه‌ای بیرون از سه‌سوءتفاهم، سونظرها یا مسائل شخصی که آدم‌ها می‌توانند با هم داشته باشند، این است که همه ما داریم یک کار انجام می‌دهیم و همه امیدواریم که این کارها را بتوانیم به بهترین نحو انجام دهیم. حتما اشتباهاتی خواهیم کرد، باین‌همه به نظر می‌رسد آنچه که کمتر به آن پرداخته می‌شود، جزئیات کار است. امیدوارم فراخوان سی‌وهفتم به‌زودی اعلام شود و بتوان درباره آن حرف زد، چون تغییرات و پیشنهادهای درون آن، رفتارهای تازه‌ای را از ما می‌طلبد و امیدوارم زمینه گفت‌وگوی مبتنی بر خرد و تعامل، با توجه مسئله‌ای که به‌عنوان جشنواره تئاتر فجر داریم، صورت بگیرد.

هنر

سه‌شنبه ۲۳ آبان ۱۳۹۶ • سال پانزدهم • شماره ۳۰۱۱ • ۹

شرق روزنامه

حرفه، تئاتر پژوه

چرا جشنواره فجر نمی‌تواند منجی تئاتر ما باشد؟

شتر، گاو، پلنگ



✚ **امین عظیمی**

در دو دهه گذشته تئاتر ایران دگرگونی‌های بسیاری به خود دیده است. ضرباهنگ این تغییرات الگویی ناشناخته داشته و کیفیتِ ادامه حرکت آن نیز بر هیچ‌کس روشن نیست. به‌طور مثال مشخص نیست فواید و خسارت‌های تأسیس سال‌های تئاتری تا به امروز چه بوده است؟ روشن نیست ما در یک دوران «توقف/گذار» قرار داریم یا با سرعتی فزاینده در حال پیش‌رفتن هستیم! هیچ‌کس نمی‌تواند به این سؤال پاسخی قطعی بدهد که آیا تئاتر ایران در حال تجربه یک سقوط آزاد کیفی است و یا در مسیرِ اعتلا، رشد و گسترش کُمی‌گام برمی‌دارد؟! چرا با چنین ابهامی روبه‌رویم؟ آیا انتقاد به حضور چهره‌های سینمایی در اجراهای تئاتری، آنچنان که مدیرکل هنرهای نمایشی چندی‌پیش بیان داشت، یک بحث تحریفی است و یا آنکه باید آن را در قالب تجویز مسکن‌های قوی و فوری دسته‌بندی کرد که شاید درد – بخوانید لابردن تعداد مخاطبان و تضمین فروش یک اجرا – را به صورت موقت تسکین می‌دهد اما عوارض جانبی زاینبارش همچون آمپول «دکزامتازون» می‌تواند یکسره به تخریب و پوکی اسکلت و استخوان‌بندی تئاتر ما منجر شود!

هنگامی که به رویکرد آسیب‌شناسانه دبیر این دوره از جشنواره تئاتر فجر دقیق می‌شویم، می‌توان ردی از همان ابهام را در این میان نیز مشاهده کرد. مجموعه جشنواره تئاتر فجر در حال بناکردن عمارتی هرچند خلاقانه بر خاکِ پوکی به اسم تئاتر ایران است که توان و ظرفیت تحملش روشن نیست. همچنان که در سال‌های گذشته فقدان راهبردی روشن در زمینه مدیریت آب در کشور، ایران را در آستانه فروافتادن در مغاک خشک‌سالی قرار داده است و هر روز شاهد فرونشست زمین به دلیل نابودی سفره‌های زیرزمینی هستیم، جشنواره تئاتر فجر هم میراث‌دار این خاک پوک به‌شمار می‌رود و هرچه بر بلندای بنای خود بیفزاید – بخوانید انتشار زودهنگام فراخوان دوره آتی‌اش – نمی‌تواند از خطر فروافتادن در چاله آسیب‌های نهادینه‌شده در تئاتر کشور مصون بماند. در جامعه کوتاه‌مدت ما آنچنان که «محمدعلی همامین کاتوزیان» اقتصاددان سیاسی معاصر آشکار کرده است، فقدان نگاه‌های راهبردی و مبتنی بر سپهر آتی کشور، اُفتی تباه‌کننده بوده است. در هر مقطعی، دولت‌ها سعی داشته‌اند با تصمیم‌هایی فوری و برآمده از تفکری قالبی و یکسوزی، نسخه همه مشکلات را یکباره بیچینند، بی‌آنکه از ظرفیت‌های پژوهشی و مطالعاتی در این حوزه بهره کافی برده باشند. اگر اسم رمز در دولت‌های نهم و دهم، پوپولیسم و هدایت هیئت‌ی امور در غیاب نگاه کارشناسی بود این اُفت در دولت‌های یازدهم و – این روزها – دوازدهم، تحت عنوان خصوصی‌سازی، برون‌سپاری و امثالهم ظهور کرده است و در جست‌وجوی راه‌گزینی از مشکلات جاری حوزه فرهنگ و هنر است. رویکردی که با کنارکشیدن دولت از نقش راهبردی‌اش جایگاه آن را به یک ابزار صرف نظارتی تقلیل داده است. واقعا چه کسی می‌تواند در چنین وضعیتی به این پرسش پاسخ دهد که سکان تئاتر کشور در دست چه نهادی است؟ مجموعه‌ای که زمانی به‌عنوان «مرکز هنرهای نمایشی» می‌شناختیم چندسالی است دچار دگرپدسی شده و تنها در قامت یک اداره کل عرض اندام می‌کند و بیشتر ترجیح می‌دهد ناظر باشد تا تأثیرگذار…؛ به‌راستی متولی تئاتر در ایران چه نهادی است؟ در کدام سازمان به صورت راهبردی برای حال و آینده تئاتر کشور برنامه‌ریزی می‌شود، سند بالادستی تهیه می‌شود و بر اجرا و آسیب‌های سر راه آن نظارت می‌شود؟

این‌گونه می‌شود که در غیاب یک مرجع روشن، یک نهادِ مسئول و تصمیم‌گیر، مجموعه‌ای که می‌بایست تمامی زادوروش بر پایه پژوهش، سنجش، آمارگیری دقیق، تحلیل موشکافانه و ارائه برنامه جامع برای آینده تئاتر کشور باشد، مجموعه جشنواره تئاتر فجر به میانه میدان می‌آید تا در نقش یک منجی، پُر آب‌سپشناسی، صدکرند و هدایت‌بخش جریان تئاتر، آزمون، خطا و… را در این زمینه یکجا به دوش بکشد. به صحبت‌های «فرهاد مهندس‌پور»، دبیر جشنواره تئاتر فجر امسال از این زاویه بار دیگر توجه کنید؛ تلاش او در برگزاری جشنواره نه معطوف به اجرای یک رویداد سالانه، بلکه مبتنی بر ایجاد نوعی پلگاه در جهت ارائه نگاهی آسیب‌شناسانه و راهبردی به تئاتر کشور است. هنگامی که او از حرفه‌ای‌شدن جشنواره حرف می‌زند اشاره‌اش به خلایق در این زمینه هرگز گستره تئاتر ایران است که حالا او می‌کوشد از طریق جشنواره به پرکردن آن مبادرت ورزد؛ اما او باهوش‌تر از آن است که نداند توفعات گوناگون هنرمندان از این جشنواره بدون شک در ماه‌های آتی او را در موقعیتی پیچیده قرار خواهد داد و صدای اعتراضاتی را بلند خواهد کرد که در جست‌وجوی راهی برای رساندن صدای خود به بیکره بدون سر تئاتر ایران است. صداهایی که نه به دبیر جشنواره بازمی‌گردد، نه به فرایند برگزاری جشنواره؛ اینها اعتراضاتی به وضعیت شتر، گاو، پلنگ تئاتر ایران است. به جریانی که آن قدر مبهم و ناروشن در حال اداره روند تئاتر کشور است که هیچ‌کس نمی‌داند خطاب انتقاداتش باید به روی چه کسی باشد؟ اگر اداره کل هنرهای نمایشی نمی‌خواهد یا نمی‌تواند، اگر نهاد دانشگاه نمی‌تواند یا نمی‌خواهد، اگر مجموعه شبه‌صنفی خانه تئاتر نمی‌تواند یا نمی‌خواهد، اگر سازمان‌های که بودجه به اختیار دارند همچون شهرداری، بانک‌های اقتصادی و مدیریتی که یکی از وظایف‌شان توسعه فعالیت‌های فرهنگی و هنری است، مجلس شورای اسلامی و… نمی‌توانند یا نمی‌خواهند در زمینه پذیرش مسئولیت برنامه‌ریزی راهبردی و هدایت نظام‌مند تئاتر کشور نقشی سازنده ایفا کنند، پس چگونه می‌بایست توقع داشت چالش‌های موجود برطرف شده و حتی با برگزاری یک جشنواره تئاتری خردمندانه و مبتنی بر فعال‌کردن تمام خانواده تئاتر بتواند به خودش تکانی بدهد؟ چگونه می‌توان به نقش اصلاحی و انتقادی رسانه‌ها دل‌خوش بود، هنگامی که هر مسئولی می‌تواند در این آشفته‌بازار از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند و اگر اتفاق خوبی رخ می‌دهد، از طریق پیوندی غریب خودش را در آن شریک بشمارد و در غیر این صورت تیروهای نامرئی و جریان‌های ناشناخته را مسئول آسیب‌های جاری معرفی کند؟

ادامه در صفحه ۱۴